

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

جام باده

کسی کو پشت بار استاده میشه
به دام چنند مست افتاده میشه

اگرچه عقلمند و فیلسوف است
به یک دم مرد صاف و ساده میشه

به یک لبخند مهروی پس بار
گره های دلش بگشاده میشه

زندش تا صلا ی باده ناب
خود او در تلاش باده میشه

به پیش روی او صد جام رنگین
به یک مژگان زدن، آماده میشه

کشد جامی و گردد مست و سرشار
ازان مستی بلاه زاده میشه

نمیداند که در هنگام مستی
به گمراهی برون از جاده میشه

چو بیرون شد به جام باده از خود
نه در فکر خود و اولاده میشه

خود و اولاده را سازد فراموش
چو حیوانی میان پاده میشه

به یک جامی بغرد همچو شیری
چو افزون شد چو گرگ ماده میشه

مکن لب آشنا با باده ناب
که آخر یک زمان، غمباده میشه

دگر دامن به جام می میالای
اگرچه مفت و ارزان داده میشه

سر مینای می بردار و بشکن
که روزی بدتر از قلاده میشه

«اسیر» از جام می دوری گزیند

کسی کاستاده بر سجاده میشه

(شهر بن - المان، فیروزی ۲۰۰۰م)